



مصاحبه با

مجة الاسلام

فاضل تبریزی

مهدی عارفی

تبریز رفتم و اخیراً هم که به قم آمدم. اینجانب همان سال ۱۳۳۸ مشغول تبلیغ و خدمات فرهنگی بوده‌ام.

مبلفان: نقش تبلیغ و خطبا در حفظ و بقای اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را بیان بفرمایید؟

فاضل تبریزی: جواب این سؤال را با استناد به فرمایش امیر المؤمنین علی علیه‌السلام عرض می‌کنم. آن حضرت، بقای دین و دنیا را در چند چیز می‌دانند که یکی از آنها این است: «عالم ناطق مستعمل لعلمیه».

مبلفان: حاج آقا! لطفاً، مختصری از زندگی فرهنگی و علمی خود را بیان فرمایید!

فاضل تبریزی: بسم الله الرحمن الرحيم این جانب، در اطراف شهرستان تبریز، در سال ۱۳۱۴ متولد شدم. مقدمات تحصیل‌ام، در حوزه‌ی علمیه‌ی تبریز بود. سال ۱۳۳۳ به حوزه‌ی قم آمدم و تا سال ۴۲ آن جا بودم.

پس از حادثه پانزده خرداد، به تبریز برگشتیم و در شهر سلماس، انجام وظیفه می‌کردم. و بعد هم چند سالی، به

نقش تبلیغ در بقای دین، یک مسئله‌ی مسلم است. الآن اگر می‌بینید که لبنان، یکی از مراکز قوی شیعی شده است، به خاطر تبلیغات دو تن از صحابه‌ی پیغمبر علیهم‌السلام است.

مبلغان: به نظر شما، عوامل موفقیت خطیب و سخنران کدام است؟
فاضل تبریزی: من، در تجربه‌ی

تبلیغی خودم، این را به دست آوردم که خطیب موفق، کسی است که چهار مطلب را، عمیقاً و دقیق، در ذهن خودش پیروانند و از آن‌ها استفاده کند.

۱ - افلاطون می‌گوید که یک سخنران، مثل یک مسافر، ابتدا باید مقصد و هدف‌اش را معلوم کند. اگر کسی که از خانه‌اش بیرون می‌رود، بداند که به کجا می‌رود، سفر راحتی دارد. اما اگر معلوم نباشد که مقصدش کجا است، در زحمت فراوان است و سرگردان خواهد بود.

خطیب، آن چرا که می‌خواهد ارائه دهد، باید در ذهن و مغز خودش، اجمالاً، آماده کند. این مسئله، با مطالعه‌ی قبلی و یادداشت برداری حاصل می‌شود.

خطیب، مطالب را باید خوب حفظ کند و بدون نگاه به یادداشت‌هایش، سخنرانی کند، زیرا، منبر رفتن از روی نوشته، ملال‌آور است.

۲ - عامل دوم، اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس، یعنی از آغاز،

خطیب، این مطلب را در ذهن خود پیروانند، که من، می‌توانم این مجلس را اداره کنم.». خطیب، اگر مرعوب مجلس شود، مطالب را نمی‌تواند درست و صحیح ادا کند.

برای کسب اعتماد به نفس، از آغاز، شمرده سخن گوید و آرام و آهسته بر منبر بنشیند.

۳ - سومین عامل، این است که همیشه، شنوندگان را دانشمند و افرادی باسواد فرض کند. اگر این‌طور فرض شود، مطالعه‌ی سخنران زیاد می‌شود و در نتیجه اعتماد به نفس هم بدست می‌آورد، اگر مستمع را بی‌سواد یا کم‌سواد فرض کردیم، چه بسا در بین شنوندگان، افراد باسوادی باشند و سستی مطالب ما را آشکار سازند.

۴ - عامل چهارم، این است که خطیب، با تنوع صدا و نگاه به همه و استفاده از حرکات دست، مجلس را در دست خود نگاه دارد.

مبلغان: حاج آقا! شما، بیشتر در مطالعاتتان برای منبر، از چه کتاب‌هایی استفاده می‌کنید؟

□ کتاب خاصی که برای اهل منبر نوشته باشند و در اختیار آنان قرار دهند، نیست، لذا باید از کتاب‌های گوناگون استفاده کرد.

به نظر من، بهترین منبر، منبرهایی است که در آن مطالب

تاریخی، نقل و تجزیه و تحلیل می‌شود. مبلغان: استفاده از علوم روز و نظریات علمی در منبر را چه گونه ارزیابی می‌کنید؟

□ من، معتقدم هر کسی، در رشته و فن خودش، مطالب را مطرح کند. البته، به عنوان استشهداد، ذکر یک مطلب علمی و یا مسائل علوم روز، اشکالی ندارد. اگر وضع خطبای خودمان را رها کنیم و مطالبمان، تنها، درباره‌ی این مسئله باشد که فلان دانشمند جامعه شناس یا روان شناس، چنین می‌گوید یا چنان نظر می‌دهد، این صحیح نیست. مبلغان: حاج آقا! به نظر شما، در منبر، صحبت کردن کشکولی خوب است یا موضوعی؟

□ این مسئله، به ذوق شخص برمی‌گردد، بعضی، موضوعی را می‌پسندند و بعضی هم کشکولی را. البته در مجامع علمی و گروه‌های خاص، اگر موضوع خاصی، مطالعه و بررسی شود و مطالب به صورت دسته‌بندی عرضه شود، مفیدتر است، اما در مجامعی که شنوندگان، از گروه‌های مختلف، مانند عالم و کاسب و دانشجو و کارگر و... هستند از هر دری سخن گفتن، بهتر است.

مبلغان: به نظر شما، سخنرانی به صورت مسلسل وار یا به صورت شمرده شمرده مطلوب است؟

□ گاهی، در مقطع خاصی، می‌طلبید که سخنرانی، به صورت حماسی باشد، اما نه همه جا، من، تجربه‌ای که دارم، این است که اگر خطیب، از آغاز سخنرانی، آرام آرام و شمرده شمرده صحبت کند، هم برای شنونده مطلوب است و هم برای خود خطیب.

این روزه است که منبر و تبلیغ را به این سبک رایج، تا امروز نگه داشته است و به برکت همین روزه است که در این مجالس، معارف اسلام و احکام و عقاید بیان می‌شود. در کشورهای خارج هم مجالس دینی، به خاطر روزه خوانی برگزار می‌شود

مبلغان: استفاده از کلماتی مانند «متد» و... که جنبه‌ی بین المللی دارد - را در منبر صحیح می‌دانید؟ □ اگر سخنران بر آن اصطلاحات، مسلط است و می‌تواند به طور صحیح، آن‌ها را ادا کند، اشکالی ندارد. مبلغان: استفاده از کلمات شیک و زیبا مانند «شفاف»، «نوین»، «بهره‌بری» چه گونه است؟

□ پاسخ، همان مطلبی است که در پرسش قبلی گفتم؛ یعنی، اگر آن‌ها را خوب می‌تواند ادا کند، اشکال ندارد.

مبلغان: اهمیت روزه و مرثیه خوانی در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را بیان

بفرمایید؟

□ روزه، یک امر عاطفی است و با روزه خوان، باید عواطف مستمع را تهییج کند. این مسئله، از طریق شعرخوانی میسر است، لذا روزه را با شعر شروع کند و بعد وارد مرثیه شود.

اما راجع به اهمیت روزه و نقش آن در بقای مکتب، باید بگویم که، این روزه است که منبر و تبلیغ را به این سبک رایج، تا امروز نگه داشته است و به برکت همین روزه است که در این مجالس، معارف اسلام و احکام و عقاید بیان می شود. در کشورهای خارج هم مجالس دینی، به خاطر روزه خوانی برگزار می شود.

اگر روزه و مجالس روزه خوانی نباشد، اگر در محرم، مجالس روزه نباشد، مردم، به چه عنوانی جمع بشوند؟ برای شنیدن سخنرانی البته، باید سعی شود که روزه ها را از کتاب های معتبر بخوانیم. خود ذکر روزه، عبادت است، هر چند گریه زاری هم که نباشد، باز، مصیبت خواندن، خودش، عبادت است. ما، ملزم نیستیم که حتماً مردم را بگریانیم و از مردم اشک بگیریم!

البته اگر ما، مقتل و روایات صحیح را خوب بتوانیم نقل کنیم، خود به خود، در (شنونده) مستمع تأثیر می گذارد.

مبلغان: تاریخ روزه خوانی، از کجا

آغاز شده است، و نخستین روزه خوان، چه کسی بوده است؟

□ آن طوری که در تاریخ آمده، نخستین روزه خوان، ایزد متعال بوده است و جبرئیل و حضرت آدم جریان روزه بر حضرت امام حسین علیه السلام، ادامه داشته تا زمان خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله روز نخستین که امام حسین علیه السلام به دنیا آمد و او را که به دست پیغمبر دادند، همان روز شروع کرد به گریه کردن و اخبار شهادت ایشان را برای بعضی از مردم بیان کرد. بعد هم از زمان خود ائمه علیهم السلام تا به امروز، مسئله ی عزاداری امام حسین و اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان، به خصوص در بین شیعیان جهان، جایگاه خاصی دارد.

مبلغان: حاج آقا! شما مسافرت های زیادی به کشورهای خارج داشته اید، محبت و علاقه ی مردم را نسبت به اهل بیت چه گونه دیدید؟

□ علاقه ی مردم به اهل بیت علیهم السلام، آن قدر زیاد است که نمی شود توصیف کرد! ائمه علیهم السلام در دل مردم جا دارند و بر قلب مردم حکومت می کنند. در بعضی کشورهای شوروی (سابق)، خیلی زن ها، حجاب ندارند و یا بعضی هم نماز نمی خوانند و ولی نسبت به اهل بیت، علاقه ی خاصی دارند! روایت هست که پیغمبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ایزد، در مقابل این صبر و تحمل تو، یک

نعمتی به تو داده است که هیچ کس، دارای این نعمت نیست و آن این است که قبر تو و قبر فرزندان، همیشه، پناهگاه مردم خواهد بود. الآن در هر جایی که بازگاهی در گوشه کنار دنیا هست، پناهگاه مردم علاقه مند به پیغمبر و اهل بیت پیغمبر است.

مبلفغان: حاج آقا! اگر خاطره‌ی خاصی از مسافرت‌های تبلیغی خود دارید، برای ما بیان کنید!

□ خاطرات زیادی دارم، چه در داخل و چه در خارج از کشور، ولی یکی از آن‌ها، خاطره‌ی جالبی است که مربوط به باکوی آذربایجان است. من، در یکی از مساجد آن شهر، سخنرانی می‌کردم، دیدم جمعیتی زیاد، از زن و مرد، به داخل مسجد نمی‌آیند، با این که مسجد، هنوز جای خالی داشت و هوا هم خیلی سرد بود هر قدر من اصرار می‌کردم که بیایید داخل، آن‌ها نمی‌آمدند! من، علت را سؤال کردم، گفتند: «این‌ها، خودشان، مسلمان‌اند و چون هنوز آثار شرب خمر در وجودشان هست، خودشان را لایق نمی‌دانند که در داخل مسجد بیایند و در مجلس امام حسین علیه السلام شرکت کنند!».

و بعضی از خانم‌ها، چون حجاب نداشتند، به خودشان اجازه نمی‌دادند که داخل مسجد بیایند، ولی همان بسروون مسجد، می‌نشستند و به سخنرانی گوش می‌دادند. یک خاطره‌ی

جالبی هم از کشور خودمان بگویم. در جایی که من، در تبریز نماز می‌خواندم و منبر می‌رفتم، نزدیک به محلّه‌ی مسیحی‌ها بود، یک مسیحی به نام سلیمان بود که هر روز می‌آمد در کفش کن مسجد می‌نشست و وقتی من روضه می‌خواندم، او گریه می‌کرد. یک روز، به شوخی گفتم: «سلیمان! هر روز اینجا می‌آیی، شاید مأموریت داری که مرا مسیحی کنی؟». گفتم: «نه! من، به حضرت ابوالفضل علیه السلام علاقه‌ی خاصی دارم.» گفتم: «من، راننده‌ی ماشین سنگین هستم و از شهری به شهر دیگر می‌روم. من، با ابوالفضل شما، قضه‌ای دارم. روزی، با ماشین بار می‌بردم که یک باره در وسط یک رودخانه، ماشین‌ام خراب شد. آب، به شمع‌های ماشین رسیده بود. اتفاقاً، باران زیادی هم آمده بود، یک مرتبه دیدم از طرف بالای رودخانه، سیل عجیبی در حرکت است! من، همان جا، یک مرتبه گفتم. یا ابوالفضل! من را نجات بده که الآن، سیل مرا می‌برد، یک مرتبه دیدم گویا ماشین من را به کنار کشیدند! الآن هم نمی‌دانم چه قدرتی مرا نجات داد! تنها من، آنجا، متوسل به حضرت ابو الفضل شدم و نجات پیدا کردم.» این سلیمان مسیحی، این قضیه را می‌گفت و همان طور گریه می‌کرد.

مبلفغان: در ایامی که دو مناسبت

است، هم مناسبت جشن و سرور و هم ایام عزاء، مصیبت خوانده شود یا نه؟

□ در میلادهای ائمه علیهم السلام اگر مجلس را با اشعار در مدح و منقبت به پایان برسانیم، مناسب است، اما ایامی که دو مناسبت است، خوب است که روضه بخوانیم.

مبلفان: کیفیت ورود به روضه خوانی یا گریز، چه گونه باید باشد؟

□ این مطلب، به ذوق و توانایی خطیب، مربوط است. گاهی خود به خود؛ زمینه‌ی گریز را فراهم می‌کند. به عقیده‌ی من، خیلی هم لازم نیست که ما از آغاز، به فکر گریز باشیم؛ بلکه بعد از مدتی که صحبت کردیم، از چهره‌ی شنوندگان، پیدا است که باید وارد مصیبت شویم. در این موارد، با گفتن «و اما ذکر مصیبت»، مصیبت را شروع کنیم. مبلفان: استفاده از فکاهی و لطیفه

در منبر را تا چه حدی صحیح می‌دانید؟ □ به نظر من، در این مسئله، سن و سال سخنران دخالت دارد؛ اگر خطیب و سخنران، پیر است، برای تنوع و رفع خسته‌گی، لطیفه‌ی مناسب و آموزنده بگوید، خوب است، اما افراد جوان، از لطیفه، استفاده نکنند.

استفاده از لطیفه‌هایی که در قالب شعر آمده، مناسب‌تر است.

مبلفان: در منبر، چه قدر باید صحبت کرد؟

□ این، مربوط به حال شنونده و مکان و ... است، ولی معمولاً، همان نیم ساعت مناسب است.

مبلفان: اگر کسی می‌خواهد تنها، روضه بخواند و سخنرانی نکند، چگونه شروع کند؟

□ در تبریز یک روضه خوان خیلی ماهری بود. ایشان روضه‌اش را با «صلی الله علیک یا ابا عبدالله» شروع می‌کرد و آن‌گاه این شعر را می‌خواند.

«نه ذو الجناح، دیگر تاب و استقامت

داشت

نه سید الشهداء در رکاب، طاقت داشت» این افراد، با خواندن شعر آغاز کنند. مبلفان: حاج آقا! جهت آرام کردن مجلسی که جمعیتی زیاد در آن شرکت کرده‌اند، از چه شیوه‌هایی باید استفاده کرد؟

□ این جا هم به هنر و توانایی گوینده بستگی دارد، گاهی، با خواندن چند شعر، آرامش حاصل می‌شود و گاهی، با یک وعده به مردم که: «اگر ساکت شوید، یک مژده دارم.» یا «یک مطلب خوبی می‌خواهم برای تان بگویم.» مجلس ساکت می‌شود و گاهی ... اصولاً، گوینده، خیلی نباید منتظر باشد تا مجلس، کاملاً، به دل خواه او آرام شود، بلکه او کار خودش را شروع کند، مجلس هم کم کم، آرام می‌شود.

□ این جا، مجلس را باید نگه
داشت، نباید خیلی طول داد.

مبلغان: اگر حادثه‌ای در بین مردم
اتفاق بیفتد، مثلاً برق برود یا باران بیاید،
چه باید کرد؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی